

مطالعه تطبیقی زبان مشترک شعر و معماری در قرون هفتم تا نهم ه.ق در ایران (سبک معماری آذری و شعر سبک عراقی)

ابوالفضل کربلایی حسینی غیاثوند^۱ (نویسنده مسئول)، سیمون آیوازیان^۲، سمیه شکاری^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۰۲

چکیده

قرن هفتم تا نهم ه.ق با توجه به حادثه مهم این دوره، یعنی حمله ویرانگر مغول، در تاریخ ایران بسیار با اهمیت است. در این دوره شاهد تغییرات فراوانی در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و هنری تحت تأثیر حاکمان مغول در ایران هستیم. معماری و شعر نیز در این دوره، به‌عنوان دوشاخه اصلی از هنر، از این تغییرات مستثنا نبوده و دچار تغییرات و تحولات فراوانی شدند که به دلیل اهمیت این تغییرات، نیازمند مطالعه بیشتری می‌باشد. از این رو در مقاله حاضر به بررسی تطبیقی معماری و شعر در این دوره که شامل معماری سبک آذری و شعر سبک عراقی می‌باشد می‌پردازیم. در حقیقت در این تحقیق بر آنست ابتدا به تشریح ویژگی‌های سیاسی و اجتماعی دوره مغول بپردازد و سپس در سه نمونه موردی از شعر سبک عراقی و معماری سبک آذری، تأثیرات این ویژگی‌ها را در شعر و معماری این دوره از تاریخ ایران بررسی کند. روش تحقیق مورد استفاده در این مقاله، روش تاریخ پژوهی تطبیقی می‌باشد که از نظر هدف، به‌صورت توسعه‌ای و بر مبنای ارتقای توصیف‌ها و تحلیل‌های انجام‌شده در پژوهش‌های پیشین است. یافته‌اندوزی آن‌هم به‌صورت کتابخانه‌ای و اسنادی و مطالعه تحقیقات پیشین صورت پذیرفت. در جمع‌بندی اطلاعات به‌دست‌آمده نیز از رویکرد تحلیلی تطبیقی بهره گرفته شده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس مقایسه و تحلیل عقلی نگارندگان استوار است. نتایج نشان داد که به دلیل زمینه مشترک هنرها، شاهد تأثیر شرایط اجتماعی این دوره در محتوا و کالبد آثار معماری و ادبی این دوره می‌باشیم که از جمله نمود آنها می‌توان به عظمت یافتن ساختمان‌ها و رواج ساختن خانقاه در معماری و رواج عرفان و غزل در شعر اشاره کرد.

واژه‌های کلیدی:

ایلخانان مغول، تیموریان، معماری سبک آذری، شعر سبک عراقی.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی معماری، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران، aqiyasvand@yahoo.com

۲. دکتری تخصصی معماری، استاد پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران، تهران، ایران، ayvasimon@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ع)، قزوین، ایران، somaye_id64@yahoo.com

۱- مقدمه

به گفته‌ی تولستوی^۱، هنر صرفاً تولید آثار دلپذیر و مهم‌تر از همه لذت نیست بلکه وسیله‌ی ارتباط انسان‌هاست برای دوام حیات بشر و برای سیر به‌سوی سعادت فرد و جامعه انسانی؛ پس ضروری و لازم است زیرا افراد بشر را با برانگیختن احساساتی یکسان به یکدیگر پیوند می‌دهد (تولستوی، ۱۳۶۴: ۵۷). هنر روحی است که در تمام لایه‌های یک جامعه گسترش پیدا کرده باشد. این عنصر آفریننده‌ی زیبایی و به وجود آورنده آرامش درونی در جامعه و فرد است. رابطه هنر با فرد و جامعه همواره رابطه‌ای بحث‌برانگیز بوده است. به نظر هربرت رید^۲ هیچ‌کس ارتباط متقابل هنرمند و جامعه را منکر نیست. هنرمند بر جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند می‌گیرد (رید، ۱۳۷۱: ۲۲۳). پاره‌ای از خصایص میان تمام هنرها مشترکی است. در بیشتر مواقع هنرمند با واسطه‌ای با مخاطبان خود طرف می‌شود. معمار غرض خود را به زبان عمارت بیان می‌کند و شاعر با کلمات. هنر و ادبیات در تمامی اهداف و رسالت‌ها ویژگی مشترک و یکسانی دارند و هیچ حد و مرزی آن‌ها را از یک جدا نمی‌کند و شاید بتوان ادعا کرد که در اصل، شعر بخشی از هنر است که به دلیل گستردگی زیاد تا حدی استقلال یافته است؛ شعر هنری کلامی است در برابر هنرهای دستی، تصویری، تجسمی، صوتی و... تولیدات هنری که با توجه به فرهنگ‌ها، هنرمندان، نویسندگان، جنبش‌ها و مکاتب و دوره‌های تاریخی، طبقه‌بندی متنوعی دارند. معماری نیز در ایران طبق تقسیم‌بندی که مرحوم پیرنیا بر اساس خواستگاه آن‌ها انجام داده است، دارای سبک‌های مختلفی می‌باشند که به نظر می‌رسد مطالعه تطبیقی شعر و ادبیات در هر دوره تاریخی می‌تواند اطلاعات فراوانی را بر ما آشکار کند (مهدوی نژاد و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۸).

هدف از مقاله پیش‌رو همان‌گونه که اشاره گردید، مطالعه تطبیقی شعر و معماری در دوره ایلخانی و تیموری و بررسی نحوه‌ی تأثیر شرایط اجتماعی و سیاسی بر این هنرها می‌باشد. در واقع این مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال است که: ویژگی‌های مشترک معماری و شعر در دوره ایلخانی و تیموری چیست و شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم، چگونه بر این ویژگی‌ها تأثیر گذاشته است؟

برای پاسخ به این سؤال، ابتدا به تشریح شرایط سیاسی و اجتماعی به وجود آمده در اثر حمله مغول و حکومت مغولان در ایران می‌پردازیم سپس ویژگی‌های

معماری این دوره (سبک معماری آذری)^۳ و شعر این دوره (شعر عراقی) در چند نمونه از آثار معماری و ادبی این دوره مورد بررسی قرار می‌گیرد تا از این راه به ویژگی‌های مشترک شعر و معماری این دوره و چگونگی تأثیر شرایط سیاسی و اجتماعی بر ما آشکار گردد.

۲- روش تحقیق

روش تحقیق به‌کاررفته، روش تاریخ پژوهی تطبیقی می‌باشد که از نظر هدف، به‌صورت توسعه‌ای و بر مبنای ارتقای توصیف‌ها و تحلیل‌های انجام‌شده در پژوهش‌های پیشین است. یافته‌اندوزی آن هم به‌صورت کتابخانه‌ای و اسنادی و مطالعه تحقیقات پیشین و همچنین بررسی نمونه‌های موردی صورت پذیرفت. در جمع‌بندی اطلاعات به‌دست‌آمده نیز از رویکرد تحلیلی - تطبیقی بهره گرفته شده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس مقایسه و تحلیل عقلی نگارندگان استوار است. جامعه نمونه مورد مطالعه شامل مسجد کبود تبریز، گنبد سلطانیه و مسجد جامع ورامین هستند که از جمله بناهای شاخص سبک معماری آذری و همچنین ویژگی‌های شعری سعدی، حافظ و مولوی به‌عنوان شاخص‌ترین شعرای این دوره می‌باشد.

۳- پیشینه‌ی تحقیق

با توجه به ماهیت تحقیق که به‌صورت تطبیقی میان شعر و ادبیات می‌باشد و دوره‌ای خاص تاریخی صورت می‌گیرد، تاکنون تحقیقی به‌صورت مدون در این زمینه وجود نداشته و اکثر تحقیقات انجام شده به‌صورت مقالاتی که به‌صورت سطحی به ارتباط بین شعر و معماری پرداخته‌اند، معطوف می‌شود. لذا برای انجام این تحقیق به‌صورت جداگانه به بررسی منابع معماری و شعر در این بازه زمانی، پرداخته شد و سپس بر اساس این یافته‌ها، اصول مشترک شعر و معماری این دوره مورد بررسی قرار گرفت. منابع اصلی مورد استفاده در این تحقیق شامل موارد زیر می‌باشند:

۱. پوپ، آرتور اپهام، (۱۳۸۸)، معماری ایران، ترجمه: زهرا قاسم علی، انتشارات سمیرا، تهران. این کتاب حاوی تصاویر و توضیحاتی در مورد معماری ایران از تخت جمشید تا اواخر دوره صفویه می‌باشد.
۲. شمیسا، سیروس، (۱۳۸۲)، سبک‌شناسی شعر، نشر

غیرمستقیم، انگیزه‌های مهمی در پیشرفت‌های علمی به وجود آورده است (Bulliet, 2009b, p.53, Bulliet, 2009).

۴-۲- روند افول و پیش‌درآمد فاجعه (حمله مغول)

با غلبه ترکان بر ایران و جامعه اسلامی، فرهنگ سیاسی و اجتماعی در منطقه که تا آن دوره شاهد چند قرن توسعه‌ی شهری بود زیر نفوذ فرهنگ قبیله‌ای ترکان قرار گرفت که در ابعاد گسترده‌ای جامعه را تحت تأثیر خود قرارداد (Barfield, 1990). از طرف دیگر، مردم بومی ایران نیز که پس از دو قرن حکومت‌های مستقل ایرانی از صفاریان تا آل‌بویه، با ورود فزاینده‌ی ترکان بیگانه و سلطه آنان در ایران روبه‌رو بودند و دچار نوعی احساس ناامنی و واهمه شده و از این‌رو به صوفی‌گری روی می‌آوردند که مقر امنی در این شرایط حاکمیت ترسناک بیگانگان محسوب می‌شد (Mottahedeh, 2000, p. 147)؛ بنابراین، صوفی‌گری نقش مؤثری را در جلب ترکان به اسلام و نیز جذب آنان در میان جمعیت بومی ایفا کرده، ولی این روند به تدریج به قیمت تضعیف نسبی متعزله و فعالیت‌های علمی و فلسفی صورت گرفت که در کنار اختلافات شدید فرقه‌ای میان حنفیان و شافعیان که سلجوقیان به آن دامن می‌زدند، زمینه‌های لازم را برای حمله مغول فراهم کرد.

۴-۳- فاجعه مغول در ایران

فاجعه مغول یکی از فجیع‌ترین جنایات و نسل‌کشی‌های تاریخ بشر بشمار می‌رود و اثرات پایداری در تاریخ ایران و جوامع اسلامی به‌جا گذاشت. در ۶۱۶ هجری (۱۲۱۹ میلادی)، حمله هولناک و ناگهانی چنگیز خان انجام می‌گیرد که ضربه قاطعی را به تمدن ایرانی اسلامی وارد کرد. پس از ۳۵ سال حملات مکرر مغول، به دنبال لشکرکشی هلاکوخان و سرنگونی اسماعیلیه و خلافت بنی‌عباس، حکومت ستمگرانه ایلخانان در سال ۶۵۴ هجری (۱۲۵۶ میلادی) به مدت هشتاد سال در ایران مستقر شد. فروپاشی سلسله ایلخانیان در ۷۳۵ هجری (۱۳۳۵ میلادی) چند دهه دوران جنگ‌های ملوک و طوایفی را به همراه داشت. این دوران آشوب شدید سرانجام با لشکرکشی‌ها و فتوحات خونین تیمور لنگ در ایران و تجدید فاجعه حملات اولیه مغول منجر گشت که تا مرگ تیمور در ۸۰۷ هجری (۱۴۰۵ میلادی) ادامه داشت (عدالت، ۱۳۸۹: ۲۳۵). ویژگی‌های این دوره از تاریخ ایران را می‌توان به‌صورت خلاصه این‌گونه دسته‌بندی کرد:

فردوس، تهران. شمیسا در این کتاب رویکردی تاریخ ادبی به شبک‌های شعر فارسی دارد که ویژگی‌های عمومی و گاه فردی سبک شاعران را در یک نظم خطی تاریخی بیان می‌کند.

۳. دونالد ویلبر و لیزا گلمیک، (۱۳۷۵)، معماری تیموری در ایران و توران، مترجم: کرامت‌الله افسر، ناشر: سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران. این کتاب مجموعه‌ای از معرفی آثار مربوط به معماری ایران در دوره تیموری.

۴. ویلبر، دونالد، (۱۳۶۵)، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانی، مترجم: عبدالله فریار، چاپ دوم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران. این کتاب به شرح رابطه علت و معلولی تحولات تاریخی و در پی آن تغییرات هنر و معماری در قرون سیزدهم و چهاردهم میلادی، یعنی دوران حاکمیت ایلخانان مغول بر سرزمین ایرات می‌پردازد.

۵. بلر، شیلا و جانانان بلوم، (۱۳۸۳)، معماری اسلامی در ایران و آسیای مرکزی: دوره ایلخانیان و تیموریان، مترجم: سید محمد موسی هاشمی گلپایگانی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران. در نخستین جلد از این کتاب معماری و هنر از دوره ایلخانیان تا عصر تیموری در قلمرو وسیعی از کناره‌های مدیترانه تا سواحل اقیانوس هند و منطقه قفقاز بررسی می‌شود. در این کتاب ضمن اشاره به حوادث تاریخی، هنرهای مطرح هر دوره اعم از تذهیب، خطاطی، نقاشی، صحافی و پارچه بافی نیز به تصویر کشیده شده است.

۴-۴- چهارچوب نظری تحقیق

۴-۱- تمدن طلایی ایرانی اسلامی

در قرون سوم تا پنجم هجری (نهم تا یازدهم میلادی)، جامعه اسلامی در خاورمیانه، آسیای مرکزی، شمال آفریقا و اندلس (اسپانیا)، شاهد یکی از درخشان‌ترین دوره‌های شکوفایی فرهنگی، فلسفی و علمی تاریخ بشر بود که تحرک ناشی از آن تا قرن نهم هجری (پانزدهم میلادی) ادامه داشت و زمینه را برای رنسانس در اروپا و در نتیجه برای تمدن امروزی غرب محیا کرد.

اگر فرضیه بولت^۴ در زمینه شکوفایی اقتصادی ۲۵۰ ساله در ایران در دوران اولیه خلافت بنی‌عباس به‌طور کلی درست باشد، می‌توانیم نتیجه بگیریم که این رونق اقتصادی و درآمد عظیم مالیاتی ناشی از آن، پایه‌ی مادی رستاخیز بزرگ علمی، فلسفی و فرهنگی در تمدن ایرانی نیز بوده است و احتمالاً نیازهای اقتصاد شکوفا، به‌طور مستقیم یا

۴-۳-۱- وضعیت سیاسی

این دوره همراه بود با دوره‌های متناوب ثبات نسبی و دیوان‌سالاری و عدم تمرکز و ثبات. اگرچه اصلاحات و انتقال موقت نقش سیاسی برجسته در کشور از اشرافیت مغول-ترک به دیوان‌سالاری غیرنظامی تا حدودی موجب بهبود نسبی اقتصادی می‌گردید، اما این اصلاحات موجب نارضایتی امراء نظامی که حکومت ایلخانان و تیموریان به آن وابسته بود می‌شد. این به‌علاوه‌ی عدم اتحاد سیاسی و مذهبی و ضعف قدرت نظامی گرایش دوم باعث کوتاه بودن دوره‌های حکومتی متمرکز در سده‌های میانه شد (میرجعفری، ۱۳۸۵: ۱۶۸-۱۸۱).

۴-۳-۲- وضعیت فرهنگی

با برجیده شدن خلافت عباسیان که از تسنن حمایت می‌کرد، زمینه برای رشد مباحث و گفتگوی دینی و فلسفی در میان اهل تسنن و تشیع ایجاد شد (باسانی، ۱۳۸۵: ۵۱۲). از سوی دیگر به دلایل مختلف، تصوف اسلامی و طیف‌های وابسته بدان که دارای سابقه در تفکرات اسلامی لاقال از قرون چهارم و پنجم هجری بودند، توسعه یافتند و به نفوذ در گروه‌های مختلف پرداختند (رویمر، ۱۳۷۹: ۴۴؛ میرجعفری، ۱۳۸۵: ۱۶۳-۱۶۹؛ ویلبر و گلمبگ، ۱۳۷۴: ۹۷). پدیده دیگر این دوره گذار از تسنن به‌ویژه تسنن شافعی به تشیع در فرقه‌های تصوف بود (باسانی، ۱۳۸۵: ۵۱۸؛ ویلبر و گلمبگ، ۱۳۷۴: ۹۷).

در پی کشتارهای عظیم چنگیزخان طبیعی است که اهل دانش و فضل نیز در این میان به قتل می‌آمدند و تعدادی از دانشمندان که پیشاپیش به مناطق امن گریختند و جان سالم بدر می‌بردند، نسبت به کشته شدگان اندک بودند. دیگر اینکه، شهرها را با خاک یکسان می‌کردند و می‌سوزانیدند. این یورش سراسر ایران و به‌ویژه خراسان را از هنرمندان و شاعران و معماران تهی ساخت. هنرمندانی که از چنگال مغولان جان سالم بدر برده بودند، در سرزمین‌های جنوبی به پناه فرمانروایان محلی رفتند (پیرنیا، ۱۳۸۹: ۲۰۸).

۴-۳-۳- وضعیت اجتماعی

گرایش اشراف نظامی برای شرکت در امور بازرگانی که واجد منافع فراوان بود و نیز شیوه زمین‌داری و خدمات دولتی به‌صورت قبول، باعث پیوند تنگاتنگ اشراف ایلات، زمین‌داران و بازرگانان شد (پطروشفسکی، ۱۳۷۵: ۴۸۳).

طبقات اجتماعی این دوره شبیه به دوره‌های قبل به‌خصوص دوره سلجوقیان بود. جزء اینکه در این دوره قدرت اشراف نظامی ایلات بیشتر بود و جدایی بیشتری بین گروه حاکم کوچ‌نشین و مردم، به دلیل اختلافات مذهبی وجود داشت.

۵- بررسی معماری قرون هفت تا نهم هجری (سبک معماری آذری)

۵-۱- خاستگاه

سرزمین آذربایجان از مراکز پر قدرت معماری جهان اسلام است که فرایند تحولات معماری در آنجا تا دوره پارسیان عقب می‌رود. قرون هفتم و هشتم هجری قمری عصر شکوفایی معماری و شهرسازی آذربایجان بوده است (آجورلو، ۱۳۸۹: ۴). به دنبال شیوه رازی، شیوه آذری از قرن ۷ تا قرن ۱۰ هجری قمری (قرن ۱۱ تا ۱۷ میلادی) تجلی می‌کند. شیوه آذری شامل دو دوره است که دوره اول از زمان هلاکو شروع شده و مراغه پایتخت می‌شود و دوره دوم از زمان تیمور آغاز شده و سمرقند پایتخت می‌گردد.

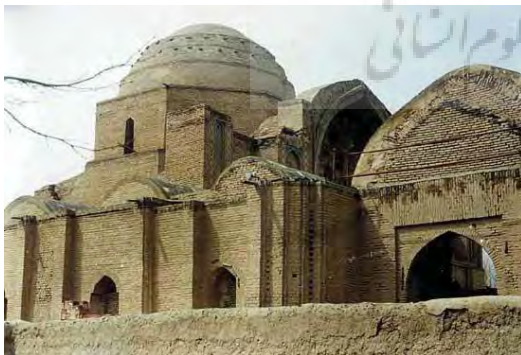
ایلخانان پس از ویرانی شهرها دریافتند که برای بقا و اداره حکومت، ایجاد بندرها، پایتخت و بازسازی ویرانه‌ها نیاز به چاره‌اندیشی دارند، بدین ترتیب تجدید فرهنگ ایرانی اسلامی شروع شد و معماری رو به شکوفایی رفت (کیانی، ۱۳۸۷: ۵۶). پس حاکمان مغول معمارانی را که در جریان حملات به جنوب سفر کرده بودند به دربار فراخواندند و در این برهه از زمان با ترکیب ویژگی‌های معماری مرکز ایران و جنوب با سنت‌ها و روش‌های بومی آذربایجان، شیوه‌ای پدید آمد که "آذری" نام گرفت (پیرنیا، ۱۳۸۹: ۲۰۶). سبک آذری اصطلاحی است که برای بازشناسی شماری از خصوصیات معماری ایران در دوره ایلخانی - تیموری ابداع شده است. این پیشرفت‌های معماری از آذربایجان شروع شد و در دوره‌ی پس از ایلخانیان به ترکستان و خراسان عهد تیموریان رسید گسترش یافت و آثار بی‌ظیری بر پا شد (آجورلو، ۱۳۸۹: ۴).

۵-۲- ویژگی‌های معماری ایلخانیان

در این دوره، کلیه بناها دارای مقیاس‌های بزرگی بودند و به بلند کردن و حالت عمودی بخشیدن ساختمان‌ها توجه زیادی می‌شد. ایوان‌های مرتفع، مناره‌های درگاهی بلند و نزدیک به هم، ستونچه‌های باریک، طاق‌نماهای بلندتر و قاب‌های باریک نموده‌ایی از این ویژگی‌ها بودند (پوپ، ۱۳۸۸: ۱۳۱). ایوان‌های مرتفع و کم‌عرض شده و بعد عمودی اهمیت بالاتری پیدا کرد.

بوده که از لحاظ ساختمان عظیم و گنبد عالی و به واسطه داشتن تزئینات فراوان و شاخص، جزء آثار مهم هنری ایران به شمار می‌رود (بزرگ نیا، ۱۳۸۳: ۱۰۸). این بنا در زمین به ابعاد ۴۳*۶۴ متر ساخته شده و بر اساس کتیبه‌های موجود، در ایام سلطنت سلطان محمد خدابنده آغاز گردیده و در عهد جانشین و پسر او ابوسعید تکمیل گشته است (عقابی، ۱۳۷۸: ۱۰۸). طراحی مسجد به این شکل بوده که ورودی آن با سردری عظیم و نقوش فراوان به‌طور ماهرانه به همراه یک مناره آغاز می‌شده و پس از عبور از دروازه وارد جلوخان می‌شده که متصل به یکی از ایوان‌های مسجد بوده و پس از گذشتن از حیاط مسجد به اتاق بزرگ گنبد داری معروف به شبستان منتهی می‌شده است (همان، ۲۲).

هرچند بنا زرق‌وبرق ظاهری ندارد، اما طرح‌های بسیار متنوع تزئینی را که شامل نقش‌های در هم بافته نوارهای کاشی آبی و سفال نخودی رنگ است به معرض نمایش می‌گذارد. گچ کاری رنگ‌آمیزی شده و نوارهای باریک گچ‌بری تزئینی آجرنما که با دقت فوق‌العاده اجرا گردیده سطوح جرزها را پوشانده است (رکوعی، ۱۳۷۳: ۲۱۹-۲۲۳). خصوصیات تزئینی مسجد و رابطه‌ی آن با مصالح مورد استعمالشان، قابل توجه و ذکر است. در کتیبه‌های خوش‌نقش و برای طرح‌های گوناگون بین بندهای عمودی و قالب‌گیری افقی حاوی طرح‌های هندسی و نقوش گل و گچ به‌کار برده شده است. طرح‌های آجرچینی که از ترکیب آجرهای معمولی و تراش و قالبی مخصوص انجام یافته وجود دارد (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۷۱).



تصویر ۲: مسجد جامع ورامین (مأخذ: سایت میراث فرهنگی استان تهران، ۱۳۹۴)

نظر می‌رسد که این تاریخ بیانگر زمان اتمام کاشی‌کاری سر در مسجد بوده و فرآیند ساخت آن از چندین سال

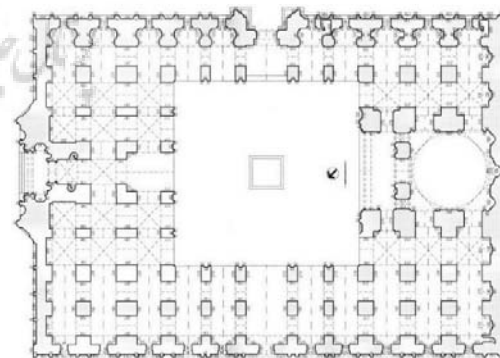
همین تأکید بر ارتفاع تأثیر فراوانی بر باریک‌تر شدن دیوارها گذاشت (کیانی، ۱۳۸۷: ۵۶).

در این دوره اندازه گنبدها عظیم شدند و بر ارتفاع برج‌ها افزوده گردید (پوپ، ۱۳۶۵: ۲۰۵). در معماری ایلخانیان پلان‌ها، فنون و نقوش تزئینی دوره سلجوقی ادامه یافت (اتینگهاوزن و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۶۰). عوامل ساختاری افزایش یافتند، نقش‌های آن‌ها متفاوت شدند و استفاده از شکل‌های فضایی کاهش یافت و فضاهای خالی افزایش پیدا کردند. گنبدها که معمولاً دوسوم ساختمان را در برداشتند، با زیبایی و شکوه بیشتری با ساختمانی که روی آن قرار داشتند یکی می‌شدند و شکل و نوع اغلب گنبدها به شیوه‌ی زیبایی و شکوه بیشتری با ساختمانی که روی آن قرار داشتند یکی می‌شدند و شکل و نوع اغلب گنبدها به شیوه‌ی سلجوقی ادامه پیدا کرد. مشکلات ساختمانی دوران مغولان که بسیار جدی‌تر از دوران سلجوقیان بودند به طرز استادانه و با موفقیت حل شدند، طاق‌ها تکامل یافتند و ساختن بناهای آجری به اوج خود رسید (پوپ، ۱۳۸۸: ۱۳۱). در این دوره تزئینات عالی گچ‌بری را بالأخص در محراب‌ها داریم که به نسبت دوره‌های قبل و بعد از خودشان برتری کامل دارند (کیانی، ۱۳۸۷: ۵۷). همچنین در این دوره شاهد تنوع و گوناگونی در طرح پلان‌ها و وجود نهاز و نخیر در پلان و حجم بناها هستیم.

۳-۵- بررسی نمونه‌های موردی

۱-۳-۵- مسجد جامع ورامین

مسجد جامع ورامین سومین بنای مهم تاریخی حوزه‌ی ایلخانان، از نمونه‌های کامل مساجد چهار ایوانی



تصویر ۱: پلان مسجد جامع ورامین (مأخذ: پیرنیا، ۱۳۸۹: ۲۴۳)

۲-۳-۵- مسجد کبود تبریز

طبق اطلاعات مندرج در کتیبه سر در ورودی این مسجد، تاریخ ساخت آن به سال ۷۸۰ ه.ق برمی‌گردد. به

مسجد و دومی کوچک‌تر و در نقش مقبره است. تنها را دسترسی به اندرون این دو گنبد خانه، از طریق ایوان ورودی آن است که در جانب شمالی تعبیه شده است. ایوان مذکور، در میانه نمای شمالی قرار گرفته که توسط چند پله از سطح معبر ارتفاع می‌گیرد. دو مناره این مسجد در دو سوی ایوان ورودی و بافاصله نسبتاً زیاد از آن، در گوشه بنا مستقر شده‌اند (کبیر صابر و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۰).

از لحاظ گونه‌بندی آرایگان معماری، ویژگی ممتاز این بنا، کیفیت و نوع کاشی‌کاری فضای داخلی و خارجی آن است. غالب پژوهشگران تاریخ معماری اسلامی را عقیده بر این است که کاشی‌کاری مسجد کبود تبریز چه از لحاظ کیفی و چه کمی و نیز در ترکیب کاشی-آجر، نشانگر پیشرفته‌ترین مرتبه مهندسی سرامیک در ایران کهن است.

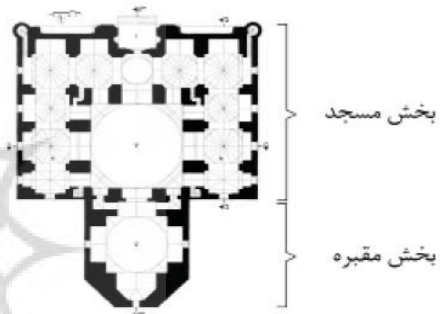


تصویر ۳. پلان مسجد کبود تبریز (مأخذ: کبیر صابر و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۰) تصویر ۴. مسجد کبود تبریز (مأخذ: میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی، ۱۳۹۴)

پیش‌تر شروع شده و در این تاریخ، احداث آن خاتمه یافته است (مشکور، ۱۳۵۲: ۶۴).

از نظر فرمی، مسجد کبود در مقایسه با دیگر مساجد مشهور ایرانی، فاقد میانسرا است. برای درک این سخن برای نمونه، می‌توان مسجد کبود را با مسجد گوهرشاد مشهد که هر دو در یک دوره ساخته شده‌اند، مقایسه کرد. راهکار انتخابی معمار سازنده مسجد کبود، سازگاری مطلوبی با وضعیت اقلیمی شهر تبریز (اقلیم سرد و کوهستانی) به وجود آورده است، به نحوی که تمام بخش‌های این مسجد می‌توانستند در فصول مختلف سال، به ایفای نقش عملکردی خود بپردازند.

از نظر ترکیب حجمی، شاکله کلی این بنا حاصل اجتماع دو گنبد خانه است که یکی بزرگ‌تر و در نقش



است (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۵۱). ارتفاع ساختمان از سطح زمین تا نوک گنبد حدود ۵۰ متر است. بروی هرکدام از جرزه‌های هشت‌گانه در بالا، آثار مناره‌هایی به قطر یک متر و به بلندای ۳/۵ متر (صمیمی، ۱۳۳۸: ۳۸) که با زیباترین معرق‌کاری مزین شده‌اند، باقی است. این مناره‌ها فشار گنبد را عموداً خنثی می‌نمایند.

از لحاظ زمانی تزئینات گنبد سلطانیه را به دو دوره تقسیم می‌کنند. دوره اول، مجموعه تزئیناتی است که بیشتر شامل کاشی‌کاری و معقلی‌ها است که طرح‌های هندسی - خطوط کوفی با کاشی‌کاری فیروزه‌ای، طلایی و لاجوردی از ویژگی‌های آن است. دوره دوم، تزئیناتی است که بیشتر مربوط به زمانی است که الجایتو از انتقال اجساد مطهر امام علی^(ع) و امام حسین^(ع) منصرف می‌گردد و دستور می‌دهد بعضی از تزئینات دوره اول که بیشتر کلمه‌ی علی بر آن نقش بسته بود، با پوشش گچ‌بری، تزئینات دیگری را ایجاد می‌کنند. تزئینات بیرون بنا، گنبد یکپارچه از کاشی فیروزه‌ای پوشیده شده است.

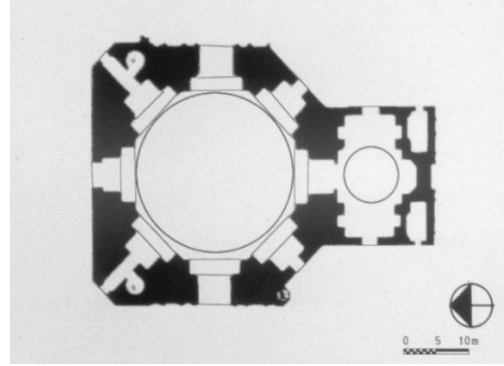
۵-۳-۳- گنبد سلطانیه

باشکوه‌ترین ساختمان آذری و شاید کل معماری ایران، گنبد سلطانیه (۷۰۳ تا ۷۱۰ ه.ق) است که در کنار آرامگاه سلطان محمد خدابنده (الجایتو) ساخته شده است. از ارسن بزرگ سلطانیه که دربرگیرنده بیمارستان، خانقاه، و میان سرای بزرگ آن بوده، تنها گنبد خانه و آرامگاه الجایتو بازمانده است (پیرنیا، ۱۳۸۹: ۲۳۵).

از نظر معماری این مقبره تقلید از هیچ بنایی نیست بلکه اختراعی است برای ساختن بنایی به این بزرگی مرکب از برج هشت‌گوش و گنبد مکعب (ویلسن، ۱۳۶۶: ۱۷۷). این بنای تاریخی دارای سه در ورودی بزرگ بوده است که امروز در ورودی اصلی آن بسته شده است (مشکوتی، ۱۳۴۹: ۲۳). بنا دارای هشت پلکان مارپیچی و یا حلزونی است که در بین جرزه‌ها جای گرفته و به طبقات بالا و ایوان‌ها راه دارند. گنبد آرامگاه، عظیم و بسیار ضخیم و سنگین است. پایه‌های این ساختمان ناگزیر است که تحمل فشار بی‌اندازه را بنماید. قطر این گنبد حدود ۲۶ متر و ضخامت دیوارهای آن ۷ متر



تصویر ۶. مقبره سلطانیه (مأخذ: میراث فرهنگی استان زنجان، ۱۳۹۴)



تصویر ۵. پلان مقبره سلطانیه (مأخذ: پیرنیا، ۱۳۸۹: ۲۳۷)

جدول ۱: تحلیل کالبدی نمونه بناهای مورد مطالعه (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴)

نمونه‌ها			ویژگی‌های کالبدی
گنبد سلطانیه	مسجد کبود تبریز	مسجد جامع ورامین	
عملکرد			اصول ساختار دهنده طرح
ساختمان از نوع مسجد - مقبره بوده و به مثابه مساجد مناطق آناتولی، دارای دو گنبد خانه می‌باشد.			
پلان			شکل و فرم
ساختمان با توجه به عملکردش به صورت برون‌گرا می‌باشد. دارای گنبدی بسیار عظیم و دو پوسته‌ای می‌باشد و هشت مناره در اطراف این گنبد وجود دارند.			
نوع			نمای ساختمان
مسجد دارای گنبد عظیم و ایوان بلند و کشیده که از ویژگی‌های سبک آذری است می‌باشد.			
داخل بنا			تزئینات
در داخل بنا و مقصوره و از انواع گره چینی آجری و کاشی، گچ کاری، کاشی‌های معقلی و معرق و کتیبه‌نگاری فراوان استفاده شده است. در ایوان‌ها نیز انواع تزئینات کاشی‌کاری، کتیبه‌نگاری و مقرنس به چشم می‌خورد.			
خارج بنا			تزئینات
بدن اصلی مسجد دارای تزئینات آجری بوده و گنبد در گذشته دارای تزئینات کاشی‌کاری بوده است. ایوان ورودی هم دارای تزئینات گره چینی آجری، کاشی‌کاری، کتیبه‌نگاری و مقرنس می‌باشد.			

جدول ۲: بررسی شاخص‌های معماری آذری در نمونه‌های مورد مطالعه (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴)

ویژگی‌های کالبدی	شاخص‌های معماری آذری	مسجد جامع ورامین	مسجد کبود تبریز	گنبد سلطانیه

*	-	-	۱. افزایش ساخت کاخ‌ها و مراکز حکومتی.	
*	*	-	۲. افزایش ساخت مسجد - مقبره‌ها.	اصول ساختار دهنده طرح
*	*	*	۳. طراحی پلان‌های منظم و متنوع به دلیل استفاده از پیمون جهت تسریع در ساخت.	
*	*	-	۴. استفاده از پلان‌های چند ضلعی در طراحی.	
*	*	*	۵. عظمت یافتن ساختمان‌ها برای نمایش قدرت دستگاه حکومت.	
*	*	*	۶. اوج گیری ارتفاع گنبدها و ساخت آنها بصورت دو پوسته ای و سه پوسته‌ای.	شکل و فرم
*	*	*	۷. تاکید بر ارتفاع و دوری از ویژگی مردم‌واری.	
*	*	*	۸. ارتفاع یافتن ایوان‌ها و ورودی‌ها.	
*	*	*	۱. استفاده از تزئینات متنوع مانند: انواع کاشی، گچ کاری، گره چینی آجری، مقرنس و..... در داخل و خارج بنا.	تزئینات

۶- بررسی شعر قرون هفت تا نهم هجری (سبک شعری

عراقی)

۱-۶- خاستگاه

سبک عراقی در اواخر قرن ششم و آغاز قرن هفتم راه خود را در بستر تکاملی تاریخ ادبیات شعر فارسی آغاز کرد. این سبک در دوره‌های خوارزمشاهیان و مغولان همچنان پابرجا بود و با سقوط تیموریان در اواخر قرن نهم هجری ابتدا جای خود را به دوره وقوع (دوره گذار از مکتب عراقی به هندی) و بعد به مکتب هندی داد (عبدالملکیان، کیانی، ۱۳۹۳: ۲۰)

بعد از هجوم مغول، هر چه که از این اتفاق می‌گذشت رونق بازار علم و ادب رو به کاستی و نیستی نهاد. اوایل این عهد از وجود چند شاعر و نویسنده بزرگ برخوردار بود و بعد از آن شاعران و نویسندگان متوسطی در ایران به سر می‌بردند که از میان آنان حافظ به‌طور استثناء در زمره شعرای درجه اول ایران و از نوابغ بزرگ شعر است که در اوایل دوره تیموری می‌زیسته است (حاکمی والا، ۱۳۸۰: ۶۵). سبک عراقی به لحاظ تاریخی دوره مغولان و ایلخانیان و تیموری را در بر می‌گیرد و از قرن هفتم تا اواخر قرن نهم هجری قمری ادامه دارد، و اما وجه تسمیه آن این است که بعد از مغول کانون‌های فرهنگی از خراسان به عراق منتقل شد (این امر از سلجوقیان آغاز شده بود، اما خراسان هنوز نابود نشده بود) و شاعران و نویسندگان بزرگ غالباً شهرهای عراق عجمند (شمیسا، ۱۳۸۲: ۱۹۳).

سبک عراقی دو مختصه مهم دارد و آن عرفان و غزل است:

عرفان: چنانچه قبلاً اشاره شد در دوره سلجوقیان عرفان در ایران رواج یافت و خانقاه‌های متعدد ساخته شد. بعد از

حمله مغول روحیه ایرانیان شکست خورده و احتیاج به سخنان آرامش بخش و توجه به امور اخروی و دنیا را هیچ و بوج انگاشتن و اعتقاد به قضا و قدر، باعث رواج بیشتر تصوف شد. اعتقاد شدید به قضا و قدر در آثار این دوره و نفوذ روز افزون می‌توان در اشعار سنایی، خاقانی و نظامی مشاهده کرد (همان، ۱۹۴).

غزل: آنچه در این دوره به‌صورت یک جریان خودنمایی می‌کند، غزل‌سرایی است. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد در سده‌های چهارم و پنجم قالب بیش‌تر شعرها قصیده بود و شاعران بنا بر سنت موجود، قصیده‌ها را با وصفی از طبیعت یا معشوق آغاز می‌کردند و آن را تغزل می‌نامیدند. تغزل قصاید خود، کمکم قالبی مستقل شد و غزل نام گرفت (عبدالملکیان، کیانی، ۱۳۹۳: ۲۰).

واژه‌های تازی در سبک عراقی برخلاف سبک خراسانی بسیار است و دیگر چیرگی با زبان فارسی نیست. شایان ذکر است که در آثار برخی از شاعران این مکتب، به‌خصوص سه غزل‌سرای بزرگ، مولوی، سعدی و حافظ واژگان عربی و فارسی نه به افراط و تصنع، بلکه در وضع کاملاً متعادل و وجه طبیعی گاه در کنار هم قرار گرفته‌اند. زبان در سبک عراقی، همان زبان متداول فعل‌ها و حروف به شیوه‌ی متعادل امروزی به کار رفته‌اند و به‌طور کلی نحوه بیان، بایان فارسی زبانان امروز چندان تفاوتی ندارد. دوری از واقعیت‌گرایی و بیان مستقیم سبک خراسانی و توجه به نماد و کنایه و مجاز و دیگر صور خیال این دوره از شعر فارسی بیشتر خاستگاه درونی و ذهنی دارند، نه بیرونی و عینی. میان شاعر و شعر فاصله‌ای نمی‌توان دید، چراکه سرچشمه‌ی شعر درون اوست و نه بیرون که حاصل شعر وصفی باشد.

۲-۶- شعر عراقی در دوره ایلخانی

از نشانه‌های بارز انحطاط آن بود که در آغاز این دوره، شاعران، متفکران و عالمان زیادی دیده می‌شوند، در حالی که در آخر این دوره وضعیت به گونه‌ای دیگر است (صفا، ۱۳۶۲: ۸۴) و اگر هنوز شخصیت‌های برجسته‌ای را می‌توان دید، اولاً تعدادشان اندک است، دیگر اینکه در حوزه‌ها و پایگاه‌های فرهنگی دیگر ایران پرورش یافته‌اند و یا در مناطقی از ایران که با تدابیر حکمرانان محلی از دستبرد مغولان آسیب کمتری دیده است، زیسته‌اند (علامی، ۱۳۸۹: ۱۲۸). دوره ایلخانی از نظر شعری یکی از کامل‌ترین ادوار شعر فارسی است، به همین دلیل از جهات ادبی نیز قابل توجه است. شاعران بزرگ عصر ایلخانی، در دوره‌ای ظهور کرده‌اند که پادشاهان و امیران و وزیران وصله پرداز (به شیوه‌ی دوره‌های پیشین) وجود ندارند. بنابراین مخاطبان آنان عمدتاً از خواص و درباریان نیستند بلکه طبقات متوسط جامعه بیشتر با تعالیم و شعر و فکر آنان سروکار دارند. در این دوره تشبیه و استعاره رواج دارد و به مناسبت رواج موضوعات عرفانی و دینی و اخلاقی و تربیتی، بسیاری از مسائل ذهنی و مجرد در شعر طرح شده است. اگرچه گروهی از این عناصر خیال، تکراری است اما عناصر جدید و ابداعی نیز در آن‌ها فراوان است. همچنین به دلیل شرایط اجتماعی موجود در جامعه شعر عرفانی و درون‌گرایی در شعر افزایش پیدا می‌کند.

۳-۶- شعر عراقی در دوره تیموری

نیمه اول قرن نهم، دوران حکومت شاهزادگان تیموری است. اگرچه تیمور از مغولان بود و کشتارهای فراوان به راه انداخت ولی اهل علم و اهل هنر و پیشه و صنعت را به چشمی دیگر می‌نگریست. در کشتارهای معمولاً این گروه را معاف می‌کرد. تیموریان اگرچه بهره‌ی چندانی از دانش و فرهنگ نداشتند، اما از همان آغاز، گرایش‌ها و رویکردهای فرهنگی از خودشان نشان دادند. حکومت تیموریان را می‌توان فرهنگی‌ترین حکومت در میان حکومت‌های مهاجم بعد اسلام به شمار آورد. توجه به علم و ادب و هنر به وسیله امراء و امیرزادگان تیموری امری است که گویی جزء فطرت و خوی طبیعی آنان بود (حاکمی والا، ۱۳۸۰: ۶۶).

در قرن نهم شعر و شاعری عمومیت یافت و شعر از انحصار طبقه‌ی خاص به درآمد. شرایطی که در دوره‌های پیشین برای شاعران وجود داشت تا در زمره‌ی شعر گوینان ماهر محسوب شوند، در این دوره وجود نداشت. در قرن نهم امیران و عالمان و قاضیان و فقیهان و لشکریان و اهل حرفه و پیشه، همگان به کار شاعری مشغول بودند. به همین سبب

قرن نهم از نظر فراوانی تعداد شاعران قابل توجه است (حاکمی والا، ۱۳۸۰: ۶۵). شاعران این دوره اندرزهای فراوانی می‌دهند که تماماً ماهیتی عرفانی دارند و این امر، موهبت دیگری است که در سایه‌ی عرفان، شعر فارسی را زیور داد و از آن به اخلاق ویژه‌ی عرفانی یاد می‌شود (صبور، ۱۳۸۴: ۳۱۵). در ادامه به بررسی ویژگی‌های شعری برخی از شعرای نامدار این دوره می‌پردازیم.

۴-۶- بررسی ویژگی‌های شعری چندتن از شاعران سبک عراقی

۱-۴-۶- ویژگی‌های شعری حافظ (۷۲۷-۷۹۲ ه.ق)

حافظ شاعری اجتماعی و عارف مسلک است، معرفت عاشقانه هدف اوست اما رویی هم به دنیا دارد (محمدرضا راشد محصل: ۵۶۰) از اختصاص‌های کلام حافظ آن است که او معنی‌های دقیق عرفانی و حکمی و حاصل تخیل‌های لطیف و تفکرهای دقیق خود را در موجزترین کلام و روشن‌ترین و صحیح‌ترین آن‌ها بیان کرده است. این نکته قابل ذکر است که شعر حافظ همیشه و همه‌جا عرفانی هم نیست، چنان‌که خود حافظ را هم نمی‌توان عارفی از خودرسته دانست، کوشش در توجیه عارفانه شعر او به‌ویژه همه‌ی آن‌ها ناشی از عدم شناخت مشرب فکری و زندگی اجتماعی اوست چنان‌که عده‌ای او را در نوسان میان عرفان و دین‌داری و شک آوری فلسفی می‌دانند (آشوری، ۱۳۷۷: ۷).

با آنکه اغلب غزلیات حافظ انسجام مطلب ندارد و به قول بعضی محققین بیشتر اشعارش چندوجهی و هر بیت درباره‌ی موضوعی مستقل مطرح شده است، ولی در بعضی غزلیات که در مدح شاهان است وحدت موضوع غزل حفظ شده است (شمیسا، ۱۳۸۸: ۵۲). مدح و ستایشگری یکی از صفات فطری و ذاتی انسان است، انگیزه انسان را از ستایشگری تاکنون در چهار عامل خلاصه کرده‌اند، اعجاب، تشکر، رهبت، تکسب (جمالی، ۱۳۸۰: ۳۳۸). شایان ذکر است که یادآور شویم که خرمشاهی شعر مدحی حافظ را همچنان رندانه می‌شمارد. مقدمه‌های پندآمیز در غزل‌هایی است که شاعر در مقدمه به نذر و پند می‌پردازد مثل اینکه می‌خواهد راه و رسم رستگاری را نشان دهد تا ممدوح بتواند در مسیر درست قدم بردارد (مالمیر و محمدخانی، ۱۳۹۱: ۹۰).

برخی مدایح حافظ برای تکسب و دریافت صلح و وظیفه است، گاهی مدایح او با رغبت و شوق نسبت به ممدوح است، همانند مدیحه‌های شاه شجاع و گاهی از روی رهبت، مانند مدایح شاه یحیی، اما حافظ غیر از این موارد، انگیزه‌های دیگری نیز دارد. گاهی صرفاً برای رهایی از هرج و مرج یک خودکامه نالایق به سلطان

مختلف اجتماعی، بهترین ناصیح را عرضه کند. این ناصیح در قالب مَثَل، داستان، تاریخ و با استفاده از زیباترین ترکیبات ادبی ارائه می‌شود. زیبایی سخن سعدی تا به آن حد است که بسیاری از اشعار وی به صورت ضرب‌المثل درآمده است. این نشان از آن دارد که سخن وی از روی عقل و حکمت برمی‌خیزد.

در کنار حکمت و عقل، سعدی از زبان طنز نیز بهره برده و شیرینی کلامش، شنونده و خواننده را مجذوب خویش می‌سازد. در حقیقت هر آنچه لازمه فصاحت و بلاغت در سخن پارسی است، در کلام سعدی موج می‌زند و آثار او را خواندنی می‌کند. به همین دلیل از قدیم، شعر سعدی را نمکدان شعر گفته‌اند. سعدی در بهره‌گیری از آرایه‌های ادبی برخلاف بسیاری دیگر از سخن‌سرایان، اندازه نگه‌داشته است و همین ویژگی باعث شده است که سخن او در اروپا بسیار مورد توجه قرار بگیرد (کاووس حسن‌لی، ۱۳۷۸: ۴۵).

۴-۶-۳- ویژگی‌های شعری مولوی (۵۶۸-۶۵۲ ه.ق)

جلال‌الدین مولوی، اگرچه در مرکز دایره و میدان تاخت‌وتاز مغول یعنی آسیای صغیر می‌زیست، بی‌اعتنا به رعب و وحشت آنان و طوفان هولناکی که از کشتار و ویرانی به پا کرده بودند به ارشاد و هدایت خود که پیام استقامت و امیدواری می‌داد، مشغول بود (علامی، ۱۳۸۹: ۱۲۹). مولانا از آن جهت که واعظ بود و سخنور، در ایراد سخن بسیار ماهرانه عمل می‌کرد. مثنوی او پر است از داستان‌هایی که در داستان بیان می‌شود و پر از نکته‌های عرفانی که حاصل سلوک و خداشناسی این شاعر پرآوازه بوده. مولوی هیچ‌گاه به نحو مستقیم و بی‌پرده و یقین‌آور به احوال عرفانی خود اشاره نمی‌کند و از همین رو شک و تردید نیز در این باب گریبان ما را رها نمی‌سازد (کاکایی و بحرانی، ۱۳۸۸: ۱۲۹). غزلیات شمس او دریایی است از تمنای ناب عاشقی که خواهان وصال معشوق است، در اندیشه‌های عرفانی مولوی همه چیز رنگ وحدت دارد، از دیدگاه او ادیان وحدت گوهری دارند (محرمی، ۱۳۸۹: ۱۱۵). مولوی در عشق دریا مانند و بی‌کرانه چنان مستغرق است که جز معشوق را در نظر ندارد و در پیشگاه او از خود بیگانه است. دنیای اندیشه او بسان اقیانوسی است پهناور و موج‌خیز که گرچه کرانه‌های قابل دریافت دارد اما به ژرفای آن رسیدن ممکن نیست.

احمد جلاپور امید می‌بست و گاه به تیمور لنگ و برای آن‌ها مدیحه می‌سرود (زرین کوب، ۱۳۸۵: ۱۶). ولی اگرچه مدح یکی از عناصر و موضوعات شعر حافظ است، در درجه‌ای بسیار نازل قرار گرفته است و به همین دلیل نمی‌تواند ملاک شخصیت این شاعر بزرگ قرار گیرد. مجموع مدایح حافظ را پنج قصیده و قریب به سی غزل دانسته‌اند (دشتی، ۱۳۵۸: ۵۳).

۴-۶-۲- ویژگی‌های شعری سعدی (۵۸۹-۶۷۰ ه.ق)

سعدی از بزرگ‌ترین شاعران قرن هفتم است که به گفته‌ی دکتر شمیسا: از بزرگ‌ترین شاعران سبک خراسانی است که در عصر سبک خراسانی به سر نمی‌برد (شمیسا، ۱۳۸۲: ۲۱۷). شعر سعدی، شعر استحکام و ظرافت و استواری و زیبایی است. زبان فاخر سعدی هیچ‌گاه کمال خود را به رخ مخاطبانش نمی‌کشد. همچون سالاری بلند منزلت، در عین کمال و برتری متواضع و خاشع است و به همین دلیل دل هر صاحب دلی را می‌رباید و در گوشه خاطر هرکسی، جایی برای خودش باز می‌کند. شعرش به دیدار اول، ساده و صمیمی و بی‌تکلف جلوه می‌کند. ساختار نحوی جملات در ابیات به صحیح‌ترین شکل ممکن است. عنصر وزن و موسیقی، منجر به نقص یا پیش و پس شدن حاد دستوری در جملات نمی‌شود و سعدی به ظریف‌ترین و طبیعی‌ترین حالت ممکن در لحن و زبان، باوجود تنگنای وزن، از عهده این مهم برمی‌آید. ایجاز و یا پیراستن شعر از کلمات زائد و اضافی و دوری از عبارت‌پردازی‌های بیپوده‌ای که نه‌تنها نقش خاصی در ساختار کلی شعر ندارند، بلکه باعث پریشانی در روابط کلمات با یکدیگر و نهایتاً جملات می‌شوند و به نحو چشمگیری از زیبایی کلام می‌کاهند، در شعر و کلام سعدی نقش ویژه‌ای دارد.

بخش قابل توجهی از مسائلی که وی مطرح کرده، درباره اخلاق سیاسی حاکمان است، وی در ستایش‌ها و مدح‌ها نیز می‌کوشد تا امیران را به رعایت حال مردم و برقراری فراخواند. سعدی صوفی نبود اما تحت تأثیر تصوف قرار داشت، در قصاید او هم دید بیرونی وجود دارد که به مدح بزرگان می‌پردازد و از مبالغه پرهیز می‌کند و هم دید درونی و عرفانی وجود دارد که اشعاری پر از زهد و اندرز می‌سراید (خالقی و نوروزاده چگینی، ۱۳۹۰: ۳۷۲).

پیام سعدی در آثارش، پیام اخلاق انسانی است که آن را در قالب تربیت اسلامی پرورانده و کوشیده است تا در مسائل

جدول ۳: تحلیل ویژگی‌های شعری سه تن از شاعران نامدار سبک عراقی (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴)

ویژگی‌های شعری	توجه به	استفاده از	استفاده از	درون‌گرا	تازگی	سرودن	مدیحه	انسجام
شاعران و آثار	عرفان و تصوف در	سبک شعری رایج یعنی غزل	لغات ترکی و عربی در	بی در شعر	زبان شعری	شعرهای عاشقانه	سرایبی شعری	شعری

شعر	شعر
* * * - * * *	بوستان، گلستان، غزلیات و دیوان اشعار سعدی
- - * * * * *	دیوان اشعار، غزلیات، رباعیات حافظ
* - * - * * *	مثنوی و معنوی، دیوان شمس، فیه ما فیه مولوی

جدول ۴: ویژگی‌های شعر سبک عراقی (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴)

ردیف	محتوا و مختصات فکری و زبانی شعر عراقی	کالبد و ویژگی‌های ظاهری شعر عراقی	نمونه شاعران	نمونه آثار
۱	در هم آمیختگی مختصات کهن (خراسانی) و مختصات جدید و فراموشی تدریجی	ترویج استفاده از لغات تازی و عربی تقلید از شاعران پیشین در شعر نقص در بیان و نارسایی عبارات	سعدی شیرازی حافظ شیرازی اهلی شیرازی	بوستان و گلستان و غزلیات دیوان اشعار مثنوی سحر و حلال
۲	مختصات زبانی شعر کهن ستایش عشق و علو مقام معشوق	تازگی زبان شعری اوج شعرهای عاشقانه جایگزینی غزل به جای قصیده	سعدی شیرازی حافظ شیرازی امیر خسرو دهلوی	بوستان و گلستان و غزلیات دیوان اشعار دیوان غزلیات
۳	رواج عرفان	سرودن شعرهای عارفانه توسط شاعران این دوره استفاده از کلمات تصوف و صوفی گری در شعر	سنایی مولوی	حدیقه الحدیقه مثنوی و معنوی
۴	غم گرایی، فراق و تسلیم قضا و قدر بودن	کاهش مدیحه سرایی و حماسه سرایی رکود شعرهای بزمی	اهلی شیرازی فخرالدین عراقی	مثنوی سحر و حلال دیوان شعر
۵	آرمانگرایی	گسترش شعر عرفانی رواج تاریخ نویسی	خاقانی جوینی	دیوان اشعار تاریخ جهانگشا
۶	ذهنیت و توجه به دنیای درون	ذهنیت‌گرایی و درون‌گرایی در شعر	حسن کاشی	دیوان شعر
۷	توجه به معارف اسلامی	توسعه اشعار مذهبی	شیخ محمود شبستری	گلشن راز
۸	تفکر غنایی	فصاحت و لطافت در شعر نکته‌سنجی و زبان مضمون‌آفرینی	مولوی سعدی شیرازی	مثنوی و معنوی بوستان و گلستان و غزلیات

جدول ۵: بررسی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی حکومت ایلخانان مغول بر شعر و معماری این دوره (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴)

ردیف	ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی دوره ایلخانی	معماری	ادبیات	ویژگی‌های معماری متأثر از شرایط اجتماعی	ویژگی‌های شعری متأثر از شرایط اجتماعی
۱	کشته شدن اهل فضل و علم و خراب گشتن مدارس و مراکز تعلیم و تربیت	*	*	استفاده از معماران جنوب کشور و ترکیب معماری نواحی مرکزی و جنوبی کشور در ترکیب با معماری آذربایجان و پیدایش سبک آذری	کشته شدن شاعران توانمند و افول شعر و ادب در بازه زمانی درازمدت
۲	قدرت‌طلبی و انحصارطلبی ایلخانان مغول	*	*	از بین رفتن کتب و آموزه‌های معماری مدون عظمت یافتن ساختمان برای نمایش قدرت دستگاه حکومت روی آوردن و تأکید به معماری کاخ‌ها و مراکز حکومتی مانند سلطانیه	از بین رفتن و سوزانده شدن کتب ادبی و باقی ماندن نام و نشان آن‌ها رواج تاریخ‌نگاری به دلیل علاقه این قوم به یادگار ماندنشان در تاریخ افزایش استفاده از کلمات ترکی در شعر شاعران این دوره
				تأکید بر ارتفاع در ساختمان‌ها و دوری از ویژگی مردم‌واری	رواج استفاده از کلمات عربی در شعر
				افزایش سرعت در ساخت‌وساز به دلیل وجود	ضعف مدیحه‌سرایی به دلیل عدم توجه

ایلیخانان مغول به شعر و ادب و عدم داشتن سخاوت پادشاهان قبلی	ویرانی‌ها در نتیجه کاهش کیفیت ساخت آرامگاه‌ها به صورت برون‌گرا و ادامه آن در دوره تیموری			
روی آوردن شاعران به شعرهای عارفانه و گسترش این‌گونه شعر در این دوره	گسترش معماری خانقاه‌ها	*	*	شکل‌گیری تعالیم متصوفه که به دلیل منزوی شدن مردم و جستجوی پناهگاهی روحی و درونی به وجود آمد.
غزل‌سرایی و رواج شعرهای ذهنیت‌گرا و درون‌گرا در این دوره	ضعف و رکود حماسه‌سرایی برخلاف سبک دوره خراسانی که دوره این‌گونه شعر بود.	-	*	حمله مغول روحیه ایرانیان را یکسره نابود ساخت و روحیه‌ی سلحشوری و ملی ایرانیان تنزل پیدا کرد و ضعف و رخوت بر مردم حاکم شد.
رکود شعرهای بزمی				شدت حوادث و پیاپی بودن آن‌ها قدرت تدبیر و چاره‌گری را از مردم گرفت و فکر تسلیم بلا شدن و هر چه بادا باد به اذهان مردم راه یافت.
اوج شعرهای عاشقانه در این دوره که همراه با حسرت و درد و رنج و غم و عدم وصال است	تعدد آثار معماری در دوره تیموری	*	-	توجه امیران تیموری به علم، ادب و هنر
فراگیر شدن شعر در دوره تیموری به طوری که حتی امیران در مکاتبات خود از شعر استفاده می‌کردند.	تکامل ساخت گنبد‌های دوپوسته‌ای و سه پوسته‌ای در دوره تیموری	*	*	ظهور معماران بزرگ چون قوام‌الدین شیرازی و پسرش غیاث‌الدین و زین‌العابدین شیرازی در دوره تیموری
	تکامل تزیینات و به اوج رسیدن آن‌ها در دوره تیموری	-		
ادامه‌ی استفاده از شعر عارفانه و ذهنیت‌گرا در این دوره	ساخته‌شدن خانقاه‌هایی که از لحاظ معماری دارای ارزش فراوانی می‌باشند	*	*	ادامه گسترش تصوف و صوفی‌گری
توجه به شعرهای مذهبی و قدرت گرفتن تشیع و مرثیه‌سرایی	ساخته‌شدن مساجد و خانقاه‌های بزرگ در این دوره	*	*	احترام به مذاهب و گرایش‌های مذهبی مختلف
	به وجود پیمون در ساخت بناها و به وجود آمدن پلان‌های منظم و متنوع در ساخت بناها	-	*	رونق سیاسی و اقتصادی و نیاز به سرعت در ساخت‌وساز

۷- نتیجه‌گیری

تطبیقی هنرها باید مورد توجه قرار گیرد، نوع برخورد با موضوع است. به طور مثال، مطالعه تطبیقی می‌تواند "شکلی" (لایه‌های بیرونی و درونی) و مفهومی باشد. در دیدگاه شکلی و دیداری، معماری به هنرهایی مثل سینما، نقاشی و مجسمه‌سازی نزدیک می‌شود. ولی آنچه در وجه زیبایی‌شناسی ارزشمندتر است، حس مفهوم می‌باشد. بنابراین در این عرصه، هنرهایی مانند شعر و موسیقی

در بررسی تطبیقی بین هنرها و معماری، مقولات متعددی تأثیرگذار است که نمی‌توان بدون بررسی آن‌ها نظر جامعی را در این رابطه داد. یکی از این عوامل، بررسی دوره‌ای هنر است. در دوره‌های مختلف تاریخی، عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، فلسفی و ... تأثیرات مفهومی و شکلی بر هنرها داشته‌اند. مؤلفه‌ی دیگری که در مطالعه‌ی

پس‌زمینه‌های فرهنگی قوم مغول داشت. نتایج آن را در معماری می‌توان در تنوع پلان‌های معماری، پیمون بندی و استفاده از طرح‌های متنوع هندسی در تزئینات مشاهده کرد. ضربه مهلکی که فاجعه مغول در درازمدت بر پیکر علم، هنر و خردگرایی در ایران وارد آورد با اثرهای به‌غایت ناگوار آن بر تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران مطابقت دارد. ویرانی شهرهای کتابخانه‌ها، مدارس و نظامیه‌ها در اثر حملات پی‌درپی مغول و از میان رفتن نسل موجود هنرمندان و دانشمندان در عرصه‌های مختلف هنری و علمی و یا مهاجرت آن‌ها به سرزمین‌های جنوب، هند و مناطق غربی سرزمین‌های اسلامی باعث شد که نتایج آن در معماری به‌صورت افت کیفیت ساخت بناها نسبت به دوره‌های پیشین و به علت کشته شدن شاعران توانمند، افول شعر و ادب فارسی در بازه زمانی درازمدت و از بین رفتن آثار ادبی ارزشمند، خودنمایی کند.

رکود کامل علم در ایران و دنیای اسلام با روند رشد و استیلای محافظه‌کاری، بنیادگرایی و تفکر قشری و متحجر صوفی و مذهبی رابطه مستقیم دارد. مردم آسیب‌دیده به دلیل بی‌ثباتی و ناامنی درونی جامعه و سرخوردگی و نخوتی که طی حملات مغول و تیمور بر روحیه ایرانیان چیره گشته بود، به‌سوی فرقه‌های مختلف که درواقع مرهمی کاذب بر بی‌ثباتی، ناامنی و سرخوردگی آنان بود گرایش پیدا کردند. ازجمله این گرایش‌های، تصوف و صوفی‌گری بود. تأثیرات این گرایش‌های را می‌توان در معماری در گسترش معماری خانقاه‌ها مشاهده کرد. تأثیرات تصوف و صوفی‌گری را در شعر می‌توان به درون‌گرایی و تکلف در شعر و اوج‌گیری شعرهای ذهنیت‌گرا مثل غزل جستجو کرد. همچنین وجود مضامین عرفانی و استفاده از کلمات تصوف در شعر و همچنین ضعف حماسه‌سرایی به خاطر سرشکستگی از شکست در مقابل مغول، دیگر تأثیرات این گرایش‌های بر شعر سبک عراقی است.

اهمیت می‌یابند که مفهومی‌تر و دارای حس درونی قابل تجربه هستند و تشابه معماری به این هنرها نزدیک‌تر و قابل تأمل‌تر است. لذا در این تحقیق به مطالعه تطبیقی بین شعر و معماری در قرون هفتم تا نهم ه.ق پرداخته شد و تأثیر شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه را بر شعر و معماری این دوره مورد بررسی قرار گرفت.

تأثیرات دویست سال حملات مغول، حکومت ایلخانیان و فتوحات تیمور بر تاریخ اجتماعی ایران بسیار قابل تأمل است. آسیب‌دیدگی جامعه از فاجعه مغول مولد بستری اجتماعی و فرهنگی ناهنجاری بوده که نقش اساسی در باز تولید حکومت‌های استبدادی پادشاهان ایران ایفا نموده است. در دوره اولیه ایلخانیان هنوز تداوم نسل ریاضی‌دانان، هنرمندان، دانشمندان و فیلسوفان که پیشینه‌ی چند صدساله در ایران و منطقه داشت از هم نگسسته بود. این افراد اغلب کسانی بودند که یا شهر و دیارشان از گزند حمله مغول در امان مانده بود و یا افرادی بودند که برای حفظ جان خود در اثر حمله مغول به مناطق جنوبی کشور گریخته بودند. اضافه بر این برخی از رشته‌های علمی و عقلی به دلایل خاص خود به‌طور مستقیم از طرف تعدادی از ایلخانان مغول مورد حمایت قرار می‌گرفت که از آن جمله می‌توان یکی به تاریخ‌نویسی و دیگری به نجوم و هندسه و تناسب اشاره کرد.

ایلخانان به خاطر حس قدرت‌طلبی خود و اینکه می‌خواستند نامشان در تاریخ جاودان بماند از همان ابتدا وزیران ایرانی خود را به تاریخ‌نویسی تشویق می‌کردند و از این دوران است که مورخین ایرانی شروع به تاریخ‌نویسی به زبان فارسی کردند. در معماری نیز این حس قدرت‌طلبی باعث گردید برای اولین بار بعد از ورودی اسلام به ایران، شاهد اوج‌گیری در مقیاس بناها چه از نظر ارتفاع و چه از نظر وسعت باشیم. از دیگر علومی که ایلخانان از آن حمایت می‌کردند، ریاضیات، هندسه و تناسب بود که ریشه در

پی‌نوشت

1. Leo Tolstoy

2. Sir Herbert Edward Read

۳. سبک بندی معماری که در این تحقیق از آن استفاده شده، مربوط به سبک بندی مرحوم پیرنیا از معماری ایران می‌باشد که هرچند امروزه اشکالاتی از طرف کارشناسان به آن وارد می‌شود، ولی به دلیل اینکه دسته‌بندی دیگری از معماری ایرانی موجود نبوده و همچنین از لحاظ دوره تاریخی با سبک شعری عراقی مناسبت دارد، از این سبک‌بندی استفاده شده است.

4. Richard Bulliet

فهرست منابع:

- اتینگهاوزن، ریچارد و دیگران (۱۳۸۴). ایلخانان، مترجم: یعقوب آزند، انتشارات موسی، تهران.
- آجورلو، بهرام (۱۳۸۹). درآمدی بر سبک معماری آذربایجان، باغ نظر، شماره ۱۴، سال هفتم.

- آشوری، داریوش (۱۳۷۷). هستی‌شناسی حافظ، نشر مرکز- تهران.
- باسانی، آ (۱۳۸۵). دین در عهد مغول، در تاریخ ایران (از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانیان)، پژوهش دانشگاه کمبریج، جلد پنجم، گردآورنده: ج.آ. بویل، مترجم: حسن انوشه، تهران، انتشارات امیرکبیر، صص. ۵۲۰-۵۰۹.
- بزرگ خالقی، محمدرضا و نوروززاده چگینی، وحیده (۱۳۹۰). بررسی وجوه تمایزات و تشابهات سبکی در قصاید عصر مغول، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر، سال چهارم، شماره دوم، صص. ۳۸۴-۳۶۷.
- بزرگ نیا، زهره (۱۳۸۳). معماری ایران از آغاز دوره اسلامی تا پایان دوره قاجار، اداره کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی سازمان میراث فرهنگی.
- پوپ، آرتور ایهام (۱۳۸۸). معماری ایران، مترجم: زهرا قاسم‌علی، انتشارات سمیرا، تهران.
- پوپ، آرتور ایهام (۱۳۶۵). معماری ایران پیروزی شکل و رنگ، مترجم: کرامت‌الله افسر، انتشارات فرهنگسرا، تهران.
- پطروشفسکی، ایلیا پاولویچ (۱۳۵۷). کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران در عهد مغول، مترجم: کریم کشاورز، جلد اول، انتشارات نیل، تهران.
- پرنیا، محمد کریم، (۱۳۸۹)، سبک‌شناسی معماری ایران، تألیف: غلامحسین معماریان، ناشر: مؤلف، چاپ شانزدهم، تهران.
- تولستوی، لئو، (۱۳۶۴)، حقیقت و زیبایی، درس گفتارهایی از فلسفه هنر، نشر مرکز، تهران.
- جمالی، بهنام و علی، محمد (۱۳۸۰). مبالغه و اغراق در مداخلی متنبنی، نشریه علمی- پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۵۸ و ۱۵۹، صص. ۳۵۴-۳۳۳.
- حاکمی‌والا، اسماعیل (۱۳۸۰). نکاتی پیرامون شعر فارسی در دوره تیموری، ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۱، شماره ۱، صص. ۶۵-۷۴.
- حسن لی، کاووس (۱۳۷۸). سلسله موی دوست، انتشارات هفت اورنگ، تهران.
- دشتی، علی (۱۳۸۵). کاخ ابداع به کوشش مهدی ماخوری، نشر زوار، تهران.
- رکوعی، عزت‌الله (۱۳۷۳). سرزمین ما (مروری بر تاریخ و معماری ایران)، نشر کیوان، تهران.
- رویمر، ه ر (۱۳۸۰). تاریخ ایران (دوران صفویه)، پژوهش دانشگاه کمبریج، مترجم: یعقوب آژند، تهران: نشر جامی، صص. ۷-۱۴۲.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۵). از کوچی زندان، نشر امیرکبیر، تهران.
- رید، هربرت (۱۳۷۱). هنر چیست؟ مترجم: کاوه دهگان، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- سایت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان شرقی (۱۳۹۴). مسجد کبود تبریز، بازیابی شده از سایت: <http://www.eachto.org/index.php/tourism/selectedpics>، در تاریخ ۱۱ آذر ساعت ۲۱:۳۰.
- سایت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران (۱۳۹۴). مسجد جامع ورامین، بازیابی شده از سایت: <http://www.tchto-portal.ir/>، در تاریخ ۱۱ آذر ساعت ۲۱.
- سایت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان (۱۳۹۴). گنبد سلطانی، بازیابی شده از سایت: <http://zanjan.ichto.ir/8C%D8%B1-190>، در تاریخ ۱۴ آذر ساعت ۲۰:۳۰.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۸). یادداشت‌های حافظ، نشر علمی، تهران.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۲). سبک‌شناسی شعر، نشر فردوس، تهران.
- صبور، داریوش، (۱۳۸۴). آفاق غزل فارسی (پژوهشی انتقادی در تحول غزل و تغزل از آغاز تا امروز)، نشر زوار، تهران.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۰). تاریخ ادبیات ایران، نشر امیرکبیر، تهران.
- صمیمی، صادق (۱۳۸۸). سلطانیه آرامگاه سلطان محمد خدابنده الجایتو، مجله باستان‌شناسی، شماره ۱ و ۲، صص. ۲۴.
- عبدالملکیان، محمدرضا و کیانی، حمید (۱۳۹۳). سبک‌های شعر فارسی، گذری بر ویژگی‌ها و دوره زمانی، کتاب آموزشی چهارمین جشنواره شعر و ادب شمس، اداره کل فرهنگی شهرداری تهران.
- عدالت، عباس (۱۳۸۹). فرضیه فاجعه‌زدگی: تأثیر پایدار فاجعه مغول در تاریخ سیاسی، اجتماعی و علمی ایران، فصلنامه بخارا، سال سیزدهم، شماره ۷۷ و ۷۸، صص. ۲۶۲-۲۲۷.
- عقابی، محمدمهدی (۱۳۷۸). مساجد تاریخی، نشر سوره مهر، تهران.
- علامی، ذوالفقار (۱۳۸۹). واکنش برخی شاعران و ادیبان در برابر مغولان، مجله تاریخ ادبیات، شماره ۶۰/۳، صص. ۱۴۵-۱۲۷.
- کاکایی، قاسم و بحرانی، اشکان (۱۳۸۸). اقتضای احوال باطنی در آثار مولانا و مسئله تعریف عرفان از دیدگاه عرفان پژوهان، مجله ادیبان و عرفان، شماره ۱، صص. ۱۱۷-۱۳۹.
- کبیر صابر، محمداقرا؛ مظاهریان، حامد و پیروی، مهناز (۱۳۹۳). ریخت‌شناسی معماری مسجد کبود تبریز، دو فصلنامه معماری ایرانی، شماره ۶، صص. ۳۵-۲۳.
- کیانی، محمد یوسف (۱۳۸۷). تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.
- مالمیر، تیمور و محمدخانی، فاطمه (۱۳۹۱). نقد و بررسی مدیحه‌سرایی حافظ، فصلنامه پژوهشی ادبی، شماره ۵۱، صص. ۳۰-۹.
- محرمی، رامین (۱۳۸۸). تفاوت دیدگاه عرفانی و کلامی مولوی در موضوع جبر، مجله ادیبان و عرفان، شماره ۱، سال ۴۳، صص. ۱۲۱-۱۰۵.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۵۲). تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
- مشکوتی، نصرت‌الله (۱۳۴۹). فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، سازمان ملی حفظ آثار باستانی، تهران.

- مهدوی نژاد، محمدجواد؛ ابراهیمی، رؤیا و مهبادی، فاطمه (۱۳۹۰). بررسی عناصر رمانتیک در ادبیات و معماری، نشریه پژوهش هنر، شماره اول، صص. ۱۷-۳۱.
- میرجعفری، حسین (۱۳۸۵). تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، ویرایش دوم، چاپ پنجم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، اصفهان.
- ویلبر، دونالد و گلمبک، لیزا (۱۳۷۴). معماری تیموری در ایران و توران، مترجم: کرامت‌الله افسر و محمد یوسف کیانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ویلبر، دونالد (۱۳۶۵). معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانیان، مترجم: عبدالله فریار، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- ویلسن، کریستی (۱۳۶۶). تاریخ صنایع ایران، مترجم: عبدالله فریار، نشر فرهنگسرا، تهران.
- هیلن برند، روبرت (۱۳۹۱). معماری اسلامی: شکل کارکرد و معنی، مترجم: باقر آیت‌زاده شیرازی، نشر روزبه، تهران.
- Barfield T.J., (1990). Tribe and State Relation, In Tribes and State Formation in the Middle East, Edited by P. Khoury and J. Kosstiner, University of California Press.
- Bulliet R.W., (2009). Economy and Society in Early Islamic Iran: A Moment in World History, in The Idea of Iran, The Rise of Islam, edited by Vesta Sarkhosh Curtis and Sarah Stewart, Tauris.
- Mottahedeh R., (2000). The Mantle of the Prophet, One World Publications.

